




## A Comparative Study of the Phonetic System of the Early Shirāzi with Middle Persian Based on the Works of Shāh Dā'i Shirāzi

Manouchehr Forouzandeh-Fard, Mohammad Motallebi\*

1. PhD Candidate of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

Article Info	ABSTRACT
<p><b>Article type:</b> Research Article</p> <p><b>Received:</b> 20/08/2024</p> <p><b>Accepted:</b> 23/11/2024</p>	<p>The early dialect of Shiraz, also known as Šerazī, is one of the few Iranian languages for which diverse texts from the 5th to the 11th century AH has survived. Texts from Sheikh Rouzbahan Baqli, Sa'di, Shams Pus-e Nasir, Hafez, Khatib Shaf'avi, Bushaq At'ameh, and Shah Da'i Shirazi are among these works. In this study, we have compared the phonological system of this dialect with that of Middle Persian. This comparison covers the sounds and phonotactic constraints, the phonetic changes from Middle Persian to Early Shirazi, and the most significant phonological processes in Early Shirazi, focusing on Shah Da'i's works.</p> <p><b>Keywords:</b> The Early Shirāzi, Middle Persian, Phonetic System, Phonetic Processes, Shāh Dā'i Shirāzi</p>
<p><b>Cite this article:</b> Forouzandeh-Fard, Manouchehr., Mohammad Motallebi, (2024), A Comparative Study of the Phonetic System of the Early Shirāzi with Middle Persian Based on the Works of Shāh Dā'i Shirāzi, <i>Interdisciplinary research in persian Language and literature</i>, Vol. 3, New Series, No.2, autumn and winter 2024: pages:53-76.</p> <p>DOI: 10.30479/irpli.2024.20795.1173</p>	
<p> © The Author(s). <b>Publisher:</b> Imam Khomeini International University</p>	

\*Corresponding Author: Mohammad Motallebi  
Address: Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.  
E-mail: motallebi@uk.ac.ir



## بررسی آواشناختی و واج‌شناختی آثار شیرازی شاه داعی و مقایسه آن با فارسی میانه<sup>۱</sup>

منوچهر فروزنده فرد<sup>۱</sup>، محمد مطلبی<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

۲- استادیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

### اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۵/۳۰

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۰۳

شیرازی قدیم گونه‌ای زبانی است که از قرن پنجم تا حدود قرن یازدهم در متون متنوعی از جمله آثار شیخ روزبهان بقلی، سعدی، شمس پُس ناصر، حافظ، خطیب شفعوی، بسحاق اطعمه و شاه داعی شیرازی دیده می‌شود. این گونه زبانی در گذر از ایرانی میانه در حوزه‌های زبانی مختلف دستخوش تحول شده‌است که بررسی آواشناختی و واج‌شناختی آن موضوع مقاله حاضر است. نگارندگان در این نوشتار ویژگی‌های آوایی شیرازی قدیم را با فارسی میانه تطبیق داده‌اند. بدین منظور نخست همخوان‌ها و واکه‌های فارسی میانه و شیرازی در جدول‌هایی جداگانه و مشابه توصیف شده و سپس درباره آواهای متفاوت نکاتی بیان شده‌است. در ادامه الگوهای هجایی و محدودیت‌های واج‌آرایی فارسی میانه و شیرازی قدیم بررسی گردیده و در نهایت به مهم‌ترین تحولات آوایی در گذر از فارسی میانه به شیرازی و همچنین مهم‌ترین فرایندهای آوایی شیرازی قدیم در آثار شاه داعی شیرازی اشاره شده‌است. هر فرایند یا تحول آوایی با مثال‌هایی از شاه داعی و متون شیرازی دیگر همراه است.

**کلمات کلیدی:** شیرازی قدیم، فارسی میانه، آواشناسی، فرایندهای آوایی، شاه داعی شیرازی

استناد: فروزنده فرد، منوچهر و محمد مطلبی. (۱۴۰۳). بررسی آواشناختی و واج‌شناختی آثار شیرازی شاه داعی و مقایسه آن با فارسی میانه، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۳: ۷۶-۵۳.

DOI: 10.30479/irpli.2024.20795.1173



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

## ۱. مقدمه

شیرازی قدیم<sup>۱</sup> که گویشورانش آن را «شِرَزی» می‌خوانده‌اند - از محدود گونه‌هایی از زبان‌های ایرانی است که نوشته‌های گوناگونی از سده پنجم تا حدود سده یازدهم هجری از آن به یادگار مانده‌است. آثاری از شیخ روزبهان بقلی، سعدی، شمس پُس ناصر، حافظ، خطیب شفعوی، بسحاق اطعمه و شاه داعی شیرازی از جمله این متون‌اند.<sup>۲</sup> نگارندگان در این نوشتار نظام آوایی این گونه زبانی را با فارسی میانه مقایسه کرده‌اند. مقایسه آواها و محدودیت‌های واج‌آرایی، تحولات آوایی در گذر از فارسی میانه به شیرازی قدیم و همچنین مهم‌ترین فرایندهای آوایی شیرازی قدیم با شواهدی از شاه داعی و شواهدی تکمیلی از متون شیرازی دیگر بررسی شده‌است.

### ۱-۱. بیان مسئله

شیرازی قدیم به‌لحاظ آواشناختی و واج‌شناختی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با فارسی میانه داشته و چه تحولاتی را از سر گذرانده‌است؟ در این نوشتار کوشیده‌ایم پاسخی برای این پرسش‌ها بیابیم. درباره نظام آوایی شیرازی قدیم پژوهش‌های پراکنده‌ای انجام شده ولی در هیچ‌یک از آن‌ها به‌صورت مستقل و زبان‌شناختی به نظام آوایی گونه زبانی آثار شاه داعی و تطبیق آن با فارسی میانه پرداخته نشده‌است. با توجه به ارزش زبانی متون شیرازی و به‌ویژه آثار شاه داعی، نگارندگان بر آن شدند که پژوهشی مستقل جهت معرفی نظام آوایی این گونه زبانی و تطبیق آن با فارسی میانه انجام دهند.

### ۱-۲- پیشینه تحقیق

درباره شیرازی قدیم پژوهش‌های بسیاری، عمدتاً بر دست پژوهندگان ایرانی، انجام شده‌است.<sup>۳</sup> اکثر این پژوهش‌ها متن‌محورند و توضیحات زبانی آن‌ها معمولاً ذیل شرح واژه‌های هر متن می‌آید اما در میان منابعی که بخش معتناهایی درباره ویژگی‌های زبانی شیرازی قدیم دارند، این آثار قابل‌ذکرند:  
- ادیب طوسی (۱۳۴۵ ب) در پایان سلسله‌مقالاتش درباره «سه گفتار» و «کان ملاحظت» به بیان برخی ویژگی‌های آوایی و دستوری شیرازی پرداخته‌است. توضیحات وی بسیار مختصر و گاه غیرعلمی و گمراه‌کننده است.

- واجد شیرازی (۱۳۵۳) در بخش «خاتمه»ی کتاب خود به بیان برخی تحولات آوایی و ویژگی‌های دستوری شیرازی قدیم پرداخته‌است. توضیحات واجد در زمانه او مفید بوده‌است و با اینکه از دانش زبان‌شناسی بهره کافی نداشته، به کمک شم زبانی و ذوق ادبی خود توانسته معنی اکثر ابیات را دریابد اما در تحلیل زبانی آن‌ها چندان موفق نبوده‌است.

- ماهیار نوابی در مقالات گوناگونی که درباره شیرازی قدیم و به‌ویژه اشعار شمس پس ناصر نوشته به برخی ویژگی‌های آوایی اشاره کرده اما تنها در یکی از مقالات خود (ماهیار نوابی، ۱۳۷۶) به صورت مستقل به یکی از مسائل آوایی این گونه زبانی می‌پردازد.

- رضایی باغبیدی (۱۳۸۲) در مقاله خود به بیان نکاتی درباره واج‌شناسی تاریخی گویش شیرازی پرداخته‌است.

- صادقی اگرچه درباره مسائل آوایی شیرازی قدیم مقاله مستقلی نگاشته، در مطاوی همه مقالات ممتع خود (صادقی، ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۱؛ ۱۳۹۳؛ ۱۳۹۵ الف) به نکات ظریف و ارزشمندی درباره آواشناسی این گونه زبانی اشاره کرده‌است. مقاله مهم ایشان درباره گویش قدیم کازرون نیز حاوی نکات آوایی ذی‌قیمتی است (بنگرید به صادقی، ۱۳۸۳ الف و نسخه انگلیسی مختصر و به‌روزشده آن: Sādeqi, 2013).

- فیروزبخش (۱۳۸۸) در مقدمه پایان‌نامه خود به بیان نظام آوایی شیرازی قدیم و تحولات آوایی از ایرانی میانه به شیرازی پرداخته‌است. مقدمه وی، اگرچه با بی‌دقتی‌ها و شتابزدگی‌هایی همراه است (برای نمونه بنگرید به پانوش ۵ و پانوش ۱۸ مقاله حاضر)، شواهد خوبی از مسائل آوایی اشعار شمس پس ناصر در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

- فروزنده فرد (۱۳۹۵) ضمن بازخوانی مقاله‌ای از صادقی به نکاتی درباره آواشناسی شیرازی قدیم، از جمله قاعده تبدیل ān به on و قاعده کلمات فشرده مختوم به γ و X، اشاره کرده‌است.

### ۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

نظر به آنچه در پیشینه تحقیق گفته آمد، پژوهشی زبان‌شناختی درباره نظام آوایی شیرازی قدیم صورت نگرفته‌است. از این رو پژوهش در این باره کاملاً ضروری می‌نماید. نگارندگان با انجام دادن این تحقیق کوشیده‌اند گامی در جهت شناساندن نظام آوایی شیرازی قدیم بردارند.

### ۲- بحث

در این بخش نخست در جدول‌هایی جداگانه به توصیف همخوان‌ها و واکه‌های فارسی میانه و شیرازی قدیم می‌پردازیم. سپس درباره برخی آواهای خاص توضیحاتی داده می‌شود. در ادامه الگوهای هجایی و محدودیت‌های واج‌آرایی این دو گونه زبانی را بررسی می‌کنیم. سپس به برخی تحولات آوایی در گذر از فارسی میانه به شیرازی اشاره می‌کنیم و در پایان نیز مهم‌ترین فرایندهای آوایی شیرازی را در آثار شاه داعی نشان خواهیم داد.



											r								لرزشی
											l								روان
						y												[w]	نیم‌واکه (غلت)

#### جدول ۴- واکلهای شیرازی قدیم

بلند	کوتاه	
ī و ē (طبق قرارداد ما هر دو به صورت i واج‌نگاری می‌شوند)	e	پیشین
ā	a	میانه
ū و ō (طبق قرارداد ما هر دو به صورت u واج‌نگاری می‌شوند)	o	پسین

#### ۲-۳- مقایسه آواهای شیرازی قدیم و فارسی میانه

##### ۲-۳-۱- همخوان‌ها

- ژ /ž/ (سایشی کامی واکدار): این آوا در فارسی میانه به‌عنوان واج‌گونه‌ای از «ج» /ǰ/ حضور دارد (زوندرمان، ۱۹۸۹: ۱۴۴ و ۱۴۵ = زوندرمان، ۱۳۹۰: ۲۳۱ و ۲۳۲؛ شروو، ۲۰۰۹: ۲۰۱) اما در شیرازی قدیم دیده نمی‌شود.
- ث /θ/ (سایشی میان‌دندانی بی‌واک): این آوا در فارسی میانه معیار وجود ندارد ولی در برخی واژه‌های خاص و عالمانه وجود داشته‌است (صادقی، ۱۳۹۴: سراسر مقاله). در شیرازی قدیم این واج تا قرن هفتم در متون مشاهده می‌شود (بنگرید به رضایی باغبیدی، ۱۳۸۲: ۳۷-۳۵؛ صادقی، ۱۳۸۳ الف: ۱۲؛ ۱۳۹۰: ۳۹۴؛ ۱۳۹۱: ۱۲؛ ۱۳۹۴: ۴؛ صادق، ۲۰۱۳: ۲۱۶).
- ق /q/ (انسدادی ملازی واکدار): این آوا در فارسی میانه وجود ندارد ولی در شیرازی قدیم به‌عنوان واج‌گونه دیده می‌شود (صادقی، ۱۳۸۵: ۲۳ و ۲۴).
- و /w/ (نیم‌واکهٔ دولبی) و /v/ (سایشی لبی-دندانی واکدار): این دو آوا در گونه‌های مختلف فارسی میانه در تناوب بوده‌اند (صادقی، ۱۳۵۷: ۱۲۷ و ۱۲۸؛ ۱۳۸۳ الف: ۷ و ۸) اما در شیرازی فقط /v/ داریم (صادقی، ۱۳۸۳: همانجا) گرچه ظاهراً /w/ نیز به‌عنوان واج‌گونه‌ای از /v/ در برخی بافت‌ها کاربرد داشته‌است (بسنجید با فارسی امروز). از جملهٔ این موارد می‌توان به w به

عنوان همخوان میانجی و نیز **w** در گروه آوایی **aw** در برخی واژه‌ها (به‌ویژه واژه‌های عربی) اشاره کرد.

- **ذ / ð /** (سایشی میان‌دندانی واکدار): این آوا در فارسی میانه مطابق نظام واجنگاری مکنزی وجود ندارد اما ظاهراً به‌عنوان واجگونه‌ای از **d** وجود داشته‌است (چنانکه در شیوه‌ء واجنگاری بارتلمه و برخی ایران‌شناسان دیگر مشاهده می‌شود؛ بنگرید به زوندرومان، ۱۹۸۹: ۱۴۴ = زوندرومان، ۱۳۹۰: ۲۳۱). در شیرازی قدیم نیز پس از واکه‌ها در برخی نسخه‌ها شاهد املائی «ذ» هستیم.

- **ء / ʔ /** (همزه یا انسدادی چاکنایی): این آوا در فارسی میانه وجود ندارد اما در شیرازی بر اساس قراین عروضی می‌توان به وجود آن پی برد (فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۸). البته در این‌جا به نقش ممیز واجی این آوا کاری نداریم ولی به عنوان آوا قطعاً وجود دارد.

- **β** (سایشی دولبی واکدار): این آوا در فارسی میانه به‌عنوان واجگونه‌ای از **b** وجود دارد (زوندرومان، ۱۹۸۹: ۱۴۴ = زوندرومان، ۱۳۹۰: ۲۳۱) و در پارتی نیز برخی آن را واجگونه (برای نمونه، رضایی باغبیدی، ۱۳۸۵: ۴۵) و برخی واج (برای نمونه، شروو، ۲۰۰۹: ۲۰۱) دانسته‌اند. در شیرازی قدیم در برخی متون به‌ویژه آثار سعدی حرف اضافه «و» **va** (که به نظر نگارندگان بازمانده فارسی میانه **abar** است و نه **pad**؛ بنگرید به ادامه مقاله) به گونه «ف» (همچنین در برخی نسخه‌ها «ف» و در برخی دیگر «ق») نوشته شده که نماینده همین آوای **β** است (برای نمونه بنگرید به صادقی، ۱۳۹۰: ۳۹۶ و ۳۹۷: ۱۳۹۱: ۳۵).

- **x<sup>w</sup>** (لی شده): این آوا را (که به دلیل مشخصه «تولید ثانویه» در جدول جای نگرفته‌است) برخی پژوهشگران در فارسی میانه واجگونه (زوندرومان، ۱۹۸۹: ۱۴۵ = زوندرومان، ۱۳۹۰: ۲۳۲) و برخی دیگر واج دانسته‌اند (شروو، ۲۰۰۹: ۲۰۱). این آوا در متون قدیم‌تر شیرازی وجود داشته ولی به‌مرور مانند فارسی لیبی‌شدگی خود را از دست داده و واکه **a** پس از آن تبدیل به **o** شده‌است. صادقی در واجنگاری شیرازی به‌جای **x<sup>w</sup>** (یا مطابق روش مکنزی: **xw** یعنی خوشه همخوانی آغازی متشکل از **x** و **w**) از **x<sup>v</sup>** استفاده می‌کند و ما نیز از او پیروی کرده‌ایم.

## ۲-۳-۲- واکه‌ها

- **e** و **i** (واکه‌های پیشین کوتاه): در فارسی میانه برخی از پژوهشگران این دو آوا را مستقل می‌پندارند (مکنزی، ۱۹۶۷: ۲۳ و ۲۴) و برخی دیگر تنها به یکی از این دو قائل‌اند (زوندرومان، ۱۹۸۹: ۱۴۴ = زوندرومان، ۱۳۹۰: ۲۳۱)<sup>۹</sup>. در شیرازی قدیم شاهدی مبنی بر استقلال این دو آوا وجود ندارد و به نظر می‌رسد فقط یکی از این دو وجود داشته باشد. البته شاید در مرحله‌های

- آغازین شیرازی قدیم چنین تمایزی بوده و بعداً در شیرازی قدیم متأخر برداشته شده است. در واج‌نگاری شیرازی برای نمایش واکهٔ پیشین کوتاه معمولاً از e استفاده می‌کنند.
- O و u (واکه‌های پسین کوتاه): این دو آوا را نیز برخی در فارسی میانه مستقل پنداشته‌اند (مکنزی، همانجا) و برخی تنها به وجود یکی از آن‌ها اعتقاد دارند (زوندرمان، همانجا). در شیرازی شاهی مبنی بر استقلال این دو آوا وجود ندارد و به نظر می‌رسد فقط یکی از این آواها را داشته باشیم. البته شاید در مرحله‌های آغازین شیرازی قدیم چنین تمایزی وجود داشته و سپس تر در برداشته شده است. در واج‌نگاری شیرازی برای نمایش واکهٔ پسین کوتاه معمولاً از o استفاده می‌شود.
- ō و ū (واکه‌های پسین بلند): این دو واج در فارسی میانه کاملاً مستقل بوده‌اند اما از آنجا که در خط شیرازی هیچ تمایزی میان این دو واکه، که در سنت زبان‌پژوهی به ترتیب «او مجهول» و «او معروف» نامیده می‌شوند، وجود ندارد، برخی پژوهشگران (مانند صادقی، ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۱؛ فروزنده فرد، ۱۳۹۵) در واج‌نگاری شیرازی برای هر دو از نشانهٔ u استفاده می‌کنند (البته در مباحث ریشه‌شناسی و مانند آن هر جا که نیازی به تمایز گذاشتن میان این دو باشد می‌توان از ō و ū استفاده کرد).
- ē و ī (واکه‌های پیشین بلند): این دو واکه، که به ترتیب یای مجهول و یای معروف نامیده می‌شوند، در فارسی میانه دو واج کاملاً مستقل‌اند. در شیرازی قدیم تمایز بین آن‌ها حداقل تا قرن هشتم وجود داشته و در خط نیز نمود یافته است (یای مجهول را معمولاً با فتحه‌ای پیش از «ی» نشان می‌داده‌اند) اما به دلیل مسائلی که دربارهٔ تشخیص این دو وجود دارد، برخی پژوهشگران ترجیح می‌دهند که در واج‌نگاری برای هر دو از نشانهٔ i استفاده کنند و تنها در مواقع لزوم (مانند مباحث ریشه‌شناختی) نشانه‌های ī و ē را به کار برند.

#### ۲-۴- محدودیت‌های واج‌آرایی

منظور از محدودیت‌های واج‌آرایی (phonotactic constraints) «محدودیت‌های حاکم بر توزیع آواها و توالی آواها در جایگاه‌های آغازین، میانی و پایانی واژهٔ واجی یا گروه واجی» است (مدرسی قوامی، ۱۳۹۴: ۲۰۹).<sup>۱۱</sup> پیش از مقایسهٔ محدودیت‌های واج‌آرایی فارسی میانه و شیرازی قدیم لازم است الگوهای هجایی هر یک را بررسی کنیم:

- الگوهای هجایی فارسی میانه: در فارسی میانه هجا حداقل از یک واکه (هستهٔ هجا) تشکیل می‌شود و وجود آغاز و پایانهٔ هجا اختیاری است. در آغاز هجا ممکن است یک یا دو همخوان وجود



داشته باشد. در پایانهٔ هجا نیز ممکن است یک یا حداکثر دو همخوان قرار گیرد؛ بر این اساس الگوی هجایی فارسی میانه (مانند پارتی، بنگرید به رضایی باغبیدی، ۱۳۸۵: ۴۵) به صورت  $(C)(C)V(C)(C)$  بیان می‌شود. در واقع، وجود نُه گونه هجا در این زبان متصور است که عبارت‌اند از:  $V, VC, VCC, CV, CVC, CVCC, CCVC$  و  $CCVCC$ .

- الگوهای هجایی شیرازی قدیم: در شیرازی قدیم، مانند فارسی دری، هجا حداقل از یک واکه (هسته هجا) و یک همخوان به‌عنوان آغاز اجباری تشکیل می‌شود. در پایانهٔ اختیاری هجا نیز ممکن است یک یا حداکثر دو همخوان قرار گیرد؛ بنابراین الگوی هجایی شیرازی قدیم را باید به صورت  $(C)(C)CV$  در نظر گرفت که در آن سه گونه هجا متصور است:  $CV, CVC$  و  $CVCC$ .

### ۵-۲- تفاوت‌های فارسی میانه و شیرازی قدیم از نظر محدودیت‌های واج‌آرایی

۱- در فارسی میانه هجا می‌تواند با واکه آغاز شود در حالی که در شیرازی چنین نیست و در مواردی که هجا به‌ظاهر با واکه آغاز شده، در اصل در آغاز هجا یک همخوان انسدادی چاکنایی وجود دارد. این نکته را به کمک قواعد عروضی به‌سادگی می‌توان دریافت (بنگرید به فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۸). بنابراین در آغاز واژه‌هایی که در فارسی میانه با واکه آغاز می‌شوند، در شیرازی قدیم یک همخوان انسدادی چاکنایی درج می‌شود.

۲- در فارسی میانه خوشهٔ همخوانی آغازی (یا آغاز چندشاخه) وجود دارد درحالی‌که در شیرازی این خوشه با درج واکه کوتاه (و در واقع افزایش یک هجا) شکسته می‌شود. برای نمونه در فارسی میانه واژه *srāy* «سرای»، خانه» (مکنزی، ۱۳۷۳: ۱۳۷) دارای الگوی هجایی  $CCVC$  است اما معادل شیرازی قدیم همین واژه، یعنی *serā* «سرای»، خانه» (برای نمونه، واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۱۹)، دارای الگوی هجایی  $CV+CV$  است؛ یعنی بین  $S$  و  $r$  واکه کوتاه  $e$  درج شده و یک هجا تبدیل به دو هجا شده‌است.

### ۶-۲- برخی تحولات آوایی در گذر از فارسی میانه به شیرازی قدیم:

در اکثر مورد به یک مثال رایج و پربسامد اکتفا شده و نخست شواهدی از شاه داعی آمده و سپس به شواهد متون شیرازی دیگر توجه شده‌است. همچنین یادآوری می‌شود که واژه‌های سمت راست پیکان (←) به فارسی میانه و واژه‌های سمت چپ آن به شیرازی قدیم‌اند و واج‌نگاری واژه‌های فارسی میانه به شیوهٔ مکنزی است.

- فارسی میانه  $\bar{a}$ ، شیرازی  $a: \bar{a}taxš \leftarrow \bar{p}ataš$  / آتش: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۱)، شمس پس ناصر (ماهیار نوابی، ۱۳۷۵: ۳۶) \* همچنین  $\bar{a}$  پایانی واژه‌های شیرازی هنگامی که پس از آن

واژه‌بست (به‌ویژه نشانه اضافه یا نکره) بیاید، تبدیل به **a** می‌شود (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: خاتمه، ۴؛ فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۲)؛ برای نمونه:  $srāy \leftarrow$  بدون واژه‌بست:  $serā$  / سرا: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۱۹)؛ پیش از واژه‌بست:  $sera=y(-e)$  / سری: شاه داعی (همان: ۵۵).

- فارسی میانه  $\bar{a}$ ، شیرازی  $i \leftarrow t\bar{a}$  / تی: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۱۸)<sup>۱۲</sup>  
 - فارسی میانه  $\bar{a}n$ ، شیرازی **on**: این فرایند هنگامی رخ می‌دهد که پس از واژه موردنظر واژه‌بست بیاید (بنگرید به فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۰ و ۸۱).  $gy\bar{a}n \leftarrow j\bar{o}n$  / جن: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۸)

- فارسی میانه **ab**، شیرازی  $av \leftarrow lab \cdot ev \leftarrow lav$  / لو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۳۲)، قطب‌الدین شیرازی (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۳۸):  $\bar{s}ab \leftarrow \bar{s}ev$  / شو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۵)، قطب‌الدین شیرازی (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۳۸)، خطیب شفعوی (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۶)

- فارسی میانه **an**، شیرازی **o**:  $man \leftarrow mo$  / مَه، مَو، مَن شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱ و ۱۴ و ۱۷)، سعدی (صادقی، ۱۳۹۱: ۲۶ و ۳۱)، شمس پس ناصر (ماهیار نوابی، ۱۳۷۴: ۳۳ و ۳۵)، قطب‌الدین شیرازی (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۳۷)، خطیب شفعوی (فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۲ و ۸۳)، حافظ (۱۳۹۴: ۶۷؛ صادقی، ۱۳۹۵ الف: ۳۳۱) \* **an** - (نشانه مصدر)  $\leftarrow o$  - (نشانه مصدر) / ه؛ برای نمونه  $burdan \leftarrow bordo$  / برده: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱، سه گفتار، ۱)

- فارسی میانه  $\bar{e}$ ، شیرازی  $e \leftarrow p\bar{e}š$  / پش: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۰ و سه گفتار، ۳۱)، سعدی (صادقی، ۱۳۹۱: ۲۱)، خطیب شفعوی (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۶)، شمس پس ناصر (ماهیار نوابی، ۱۳۷۴: ۳۳ و ۳۵)

- فارسی میانه  $\bar{o}$ ، شیرازی  $o \leftarrow \bar{o}y$  / اُی: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۹ و ۱۰)، شمس پس ناصر (ماهیار نوابی، ۱۳۷۴: ۳۳)، خطیب شفعوی (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۲)، سعدی (صادقی، ۱۳۹۱: ۱۶ و ۲۴) \* ضمناً  $\bar{o}$  پایانی واژه‌های شیرازی هنگامی که پس از آن‌ها واژه‌بست (به‌ویژه کسره اضافه و نشانه نکره) باشد، تبدیل به **o** می‌شود؛ برای نمونه  $r\bar{o}y \leftarrow$  بدون واژه‌بست:  $ru$  / رو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۹)؛ پیش از واژه‌بست:  $ro=y-e$  / رُی<sup>۱۳</sup>: شاه داعی (همان: ۱۰) یا  $ro=y(-e)$  / رُی: شاه داعی (همان: سه گفتار، ۳۴).

- فارسی میانه **b**، شیرازی  $v \leftarrow \bar{a}b$  / آو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۱)  
 - فارسی میانه **w**، شیرازی  $b \leftarrow w\bar{a}d$  / با: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۸ و سه گفتار،

- فارسی میانه *wi*، شیرازی *go: wistāx ← gostāx* / گستاخ: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۶۱)
- فارسی میانه *x*، شیرازی *h: taxl ← tahl* / تحل: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۷۴)، شمس پس ناصر (فیروزبخش، ۱۳۸۸: متن، ۲۷) \* *sāxt ← sāht* / ساهت: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۹۵ و سه گفتار، ۱۴) ۱۳
- فارسی میانه *d*، شیرازی *ǰ: dah- ← ǰe-* / جز: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۷ و ۵۹ و ۲۴۲)
- فارسی میانه *d*، شیرازی *l: jud az ← ǰel az* / جل از، جلز: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۴۰ و ۶۹)
- فارسی میانه *d*، شیرازی *y: zīndag ← zenya* / زنیه: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۹۵)
- فارسی میانه *g*، شیرازی *γ* (بین دو واکه): *> agar ← ʔaya(r)* / اغر: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۴)؛ اغه: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۲)
- فارسی میانه *ag* (پایانی)، شیرازی *γ* (پایانی): *ǰāmag ← ǰomy* / جمغ: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۸۸)، سعدی (صادقی، ۱۳۹۱: ۳۱ و ۳۲). باید توجه داشت که این فرایند آوایی در شیرازی هنگامی رخ می‌دهد که تکواژ پس از واژه موردنظر با واکه آغاز شود (بنگرید به فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۴). برای مشاهده شواهد دیگر این فرایند بنگرید به ماهیار نوابی (۱۳۷۶: سراسر مقاله؛ از جمله شواهد «جمغ» در شمس پس ناصر در صفحات ۱۷۳ و ۱۷۴).
- فارسی میانه *ag* (پایانی)، شیرازی *x* (پایانی): *gōšag ← gošx* / گُشخ: این واژه در بیتی از شاه داعی به کار رفته ولی برای شارحان (ادیب طوسی، ۱۳۴۵: ۴۷)؛ واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۴۰؛ جعفری دهقی، ۱۳۸۷: ۱۶) ناشناخته بوده‌است به گونه‌ای که آن را «کشخه» (= که او خورد/ که آن را خورد؛ با نشانه‌های واج‌نگاری قراردادی ما: *ke=š xo*) معنی کرده‌اند. شاه داعی می‌گوید: «آو حیات خضر شه کشخه نظر نمیات / هر زنده دل کش ای می توحید نوشدست» *ǰāv=e hayāt=e xezr š=a gošx=e: nazar na-m-ā-t/ har zenda-del ke=š oy may=e tawhid nuš-ed-est*. واژه «کشخه» در نسخه‌ها به صورت‌های گوناگونی مشکول شده که مطابق هیچ‌یک از آن‌ها بیت معنای محصلی ندارد. به نظر ما صورت «کشخه» باید «گُشخه»<sup>۴</sup> خوانده شود و بر این اساس معنی بیت چنین خواهد بود: آب حیات خضر به گوشه نظرش نمی‌آید/ هر زنده دل که او می توحید نوشیده‌است (برای تفصیل مطلب و ضبط بیت در نسخ داعی بنگرید به

فروزنده فرد، ۱۳۹۷). همچنین باید توجه داشت که فرایند آوایی تبدیل *ag* فارسی میانه به *x* شیرازی هنگامی رخ می‌دهد که تکواژ پس از واژه مورد نظر با واکه آغاز شود (بنگرید به فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۴). برای مشاهده شواهد دیگر این فرایند بنگرید به ماهیار نوابی (۱۳۷۶: سراسر مقاله؛ از جمله شواهد «گشخ» در شمس پس ناصر در صفحات ۱۷۰ و ۱۸۰ و ۱۸۱).

- فارسی میانه *ab* + واکه، شیرازی *v* + واکه: *abāg ← vā* / وا: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۴۲)، سعدی (صادقی، ۱۳۹۱: ۲۹ و ۳۱)، شمس پس ناصر (ماهیار نوابی، ۱۳۷۴: ۳۱ و ۳۳). یکی از نکات مهمی که از این تحول آوایی به دست می‌آید این است که حرف اضافه *va* در شیرازی قدیم باید بازمانده *abar* فارسی میانه باشد<sup>۱۵</sup> (درباره حذف *r* پایانی بسنجید با شواهدی که در ادامه همین مقاله آمده‌است) و ظاهراً به لحاظ ریشه‌شناختی ربطی به *pad* فارسی میانه ندارد گرچه معانی و کاربردهای این حرف اضافه را نیز در خود دارد. در واقع می‌توان گفت همانگونه که *ka* و *kē* و *kū* پهلوی در فارسی با هم خلط شده و به صورت «که» در آمده‌اند (قائم‌مقامی، ۱۳۹۴: ۱۷۳ و ۱۷۴) و همانگونه که *pad* و *bē ō* فارسی میانه در کنار «ب» عربی حرف اضافه «به» فارسی را پدید آورده‌اند (مکنزی<sup>۱۶</sup> ۱۹۶۸: ۲۵۵؛ لازار، ۱۳۸۴: ۱۵۱ و ۲۱۱؛ قائم‌مقامی، ۱۳۹۴: ۱۶۱)، *abar* و *pad* فارسی میانه نیز با یکدیگر خلط شده و *va* شیرازی را ایجاد کرده‌اند.
- فارسی میانه *m* شیرازی *v: namāz ← novāz* / نواز: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۴۹ و سه گفتار، ۱۹)، شمس پس ناصر (فیروزبخش، ۱۳۸۸: متن، ۸۶)، شیخ روزبهان (واجد شیرازی، ۱۳۴۹: ۷۲۷)
- فارسی میانه *s*، شیرازی *Z: nargis ← nargez* / نرگز: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۴۴، نرگزی [صفت نسبی])، شمس پس ناصر (فیروزبخش، ۱۳۸۸: ۲۷ و ۱۳۷ [نرگزچش: نرگس چشم])
- فارسی میانه *č*، شیرازی *Z: ēč ← hiz* / هیز: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۳۳)، شمس پس ناصر (فیروزبخش، ۱۳۸۸: متن، ۱)، خطیب شفعوی (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۰)

## ۷-۲- حذف واج‌ها و خوشه‌های پایانی

### ۷-۲-۱- حذف «ن» /n/ پایانی

نمونه‌هایی از این فرایند آوایی - که در گونه‌های مختلف زبان فارسی نیز (البته ظاهراً فقط پس از واکه بلند) از دیرباز رایج بوده‌است (بنگرید به صادقی (۱۳۸۳ ب: ۵-۸) - در گویش قدیم شیراز عبارت‌اند از:

- *bali* ← *bālēn* / بلی: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۷۲)
  - *čiyōn* ← *ču* / چو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: سه گفتار، ۲۸)
  - *šīrēn* ← *šeri* / شری: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۸۶)
  - *kun-* ← *ko-* / کُه: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۱۷ و ۱۳۶؛ همان، سه گفتار، ۴۶)
- واجد شیرازی (۱۳۵۳: سه گفتار، ۱۴۸ و ۱۴۹) مواردی چون «ای این»، «عبری: عنبرین» و «زمی: زمین» را نیز ذیل نمونه‌های حذف «ن» پایانی آورده‌است. اما «ای» در واقع به احتمال زیاد از *ēd* فارسی میانه است و نه بازمانده *ēn* (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۴۰؛ ۱۳۹۱: ۱۶). «عبری» نیز ممکن است با پسوند نسبت «-ی» (فارسی میانه *-īg*) ساخته شده و ربطی به پسوند نسبت «-ین» (فارسی میانه *-ēn*) نداشته باشد. درباره «زمی» (فارسی میانه *zamīg*) نیز می‌دانیم که «ن» در اصل این کلمه وجود نداشته و بعداً افزوده شده‌است (همو، ۱۳۸۳ ب: ۱).

## ۲-۷-۲ - حذف «د» /d/ پایانی

- حذف «د» پایانی بن‌های ماضی به‌ویژه در ساخت گنایی (ergative):
- āmad* ← *?ama* / آمه: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۹۸)، شمس پس ناصر (ماهیار نوابی، ۱۳۷۵: ۳۷)
- būd* ← *bu* / بو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۷)، کاتب دیوان شمس پس ناصر (ماهیار نوابی، ۱۳۷۴: ۳۷)
- dād* ← *dā* / دا: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۸؛ همان، سه گفتار، ۴)، خطیب شفعی (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۴)
- dīd* ← *di* / دی: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۰ و ۱۲ و ۱۵)، قطب‌الدین شیرازی (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۳۹ و ۱۴۰)، حافظ (۱۳۹۴: ۶۷)، شمس پس ناصر (ماهیار نوابی، ۱۳۷۵: ۴۳)
- rasīd* ← *rasi* / رسی: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۰ و ۱۸ و ۵۳)، شمس پس ناصر (ماهیار نوابی، ۱۳۷۵: ۴۳)
- zad* ← *za* / زه: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۱۰، ۱۳۶ و ۱۳۷)

- šud ← šo / شُه: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۳۵ و ۲۲۳)
- nimūd ← nemu / نمو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۲)
- nihād ← nā / نا: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۵۲؛ همان، سه گفتار، ۶ و ۴۲)، شمس پس ناصر (ماهیار نوایی، ۱۳۷۵: ۳۹)
- ād - (شناسهٔ دعایی سوم‌شخص مفرد) ← ā - / ا؛ برای نمونه:
- bād ← bā / با: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۱ و ۲۲)، سعدی (صادقی، ۱۳۹۱: ۳۵)، خطیب شفعوی (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۱، ۱۲۶ و ۱۲۷)
- mānād ← monā / مُنا: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۸)
- nālād ← nalā / نَلا: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۰۴)<sup>۱۷</sup>
- برای شواهدی از شناسهٔ دعایی «ا» در فارسی، بنگرید به ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۲۱۰؛ صادقی، ۱۳۹۵: ۴. ابوالقاسمی (همانجا) معتقد است که شناسهٔ دعایی «ا» در فارسی بازماندهٔ ā(h) - شناسهٔ فعل سوم‌شخص مفرد التزامی در پهلوی اشکانی است.
- ēd ← i / ای: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۷)، قطب شیرازی (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۴۰)، سعدی (همو، ۱۳۹۱: ۱۶)، خطیب شفعوی (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۶)، شمس پس ناصر (ماهیار نوایی، ۱۳۷۵: ۳۶-۳۷ و ۴۳)
- wād ← wā / با: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۸؛ همان، سه گفتار، ۴۸)، شمس پس ناصر (ماهیار نوایی، ۱۳۷۵: ۳۷)
- čand ← čon / چُن: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۰۸ و ۱۷۹ و ۲۲۸؛ همان، سه گفتار، ۶۲ و ۷۲)، شمس پس ناصر (فیروزبخش، ۱۳۸۸: ۲۳)<sup>۱۸</sup>
- xwad ← xo / خُه، خو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۸، ۲۲ و ۲۴)، شمس پس ناصر (ماهیار نوایی، ۱۳۷۴: ۳۱)
- did ← de / د، ده: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۳۲؛ همان، سه گفتار، ۲)، شمس پس ناصر (ماهیار نوایی، ۱۳۷۵: ۳۸ و ۴۶)
- zūd ← zu / زو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۱۷ و ۱۱۸؛ همان، سه گفتار، ۱۹)، شمس پس ناصر (ماهیار نوایی، ۱۳۷۴: ۳۳)
- band ← bon / بُن: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۳۲)

### ۳-۷-۲- حذف «ر» /r/ پایانی

- agar ← (Pa)ya / Pay / اغه: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۲)؛ غه، غن شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۹۹)، خطیب شفعی (فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۲ و ۸۳)؛ اغن شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۵) سه گفتار، (۵)
- andar ← (Pa)na / انه: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۶)؛ نه، ننه شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱)؛ خطیب شفعی (فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۱ و ۸۵)
- hazār ← ha(/e)zā / هزا: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۴۰ و ۲۵۳)
- āwar ← pā / آ: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۷) سه گفتار، (۱۷)
- gīr ← gi / گی: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۸۶)؛ سه گفتار، (۲۱)
- bar ← ba / به: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۱۷)

### ۴-۷-۲- حذف «ز» /z/ پایانی

- imrōz ← emru / امرو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۷۹-۱۸۱)
- rōz ← ru / رو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲)؛ سه گفتار، (۲)؛ قطب‌الدین شیرازی (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۳۷)
- ahanūz ← hanu / هنو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۴۰ و ۴۱)؛ ۱۹

### ۵-۷-۲- حذف خوشه «رد» /rd/ پایانی

- āwurd ← Pavo / آوه: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۳۲)
- burd ← bo / به: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۱۱۷)؛ خطیب شفعی (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۱)
- kird (فارسی میانه مانوی) ← ke / که: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۳۰)؛ سه گفتار، (۳۷)؛ شمس پس ناصر (ماهیار نوابی، ۱۳۷۵: ۳۸ و ۴۳)؛ خطیب شفعی (فروزنده فرد، ۱۳۹۵: ۸۵)

### ۶-۷-۲- حذف خوشه‌های «فت» /ft/ و «خت» /xt/ پایانی

- go < guft / گه: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۰۹)
- ju < juxt / جو: شاه داعی (واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۲۳۳)

در این نوشتار نخست توصیف مختصری از آواهای فارسی میانه و شیرازی قدیم در جدول‌هایی جداگانه و مشابه به دست داده شد. سپس درباره آواهای متفاوت این دو گونه زبانی به بحث پرداختیم و نشان دادیم که وجود «ژ» در فارسی میانه و نبود آن در شیرازی و همچنین وجود همخوان‌های انسدادی چاکنایی و «ق» و نبود این دو در فارسی میانه از مهم‌ترین تفاوت‌های نظام آوایی این دو گونه است. بررسی محدودیت‌های واج‌آرایی این دو گونه زبانی موضوع بخش دیگری از این مقاله بود. در این بخش نشان دادیم که شیرازی قدیم با هجاهای که در فارسی میانه بی‌آغاز یا دارای آغاز چندشاخه بوده‌اند چگونه رفتار کرده‌است. سپس مهم‌ترین تحولات آوایی را در گذر از فارسی میانه به شیرازی قدیم پی گرفتیم و نهایتاً شماری از فرایندهای آوایی گویش قدیم شیراز را با تکیه بر شواهدی از آثار شیرازی شاه داعی و افزودن شواهد تکمیلی از متون شیرازی دیگر معرفی کردیم. در مطای سخن نیز به رفع ابهام از یک بیت و چند واژه پرداختیم.

### یادداشت‌ها

<sup>۱</sup>. نگارندگان برای رعایت احتیاط علمی از کاربرد اصطلاحاتی چون «گویش قدیم شیراز» یا «زبان قدیم شیراز» پرهیز کرده، اصطلاح «شیرازی قدیم» را ترجیح داده‌اند. در این مقاله همچنین برای اشاره به «شیرازی قدیم» معمولاً از «گونه زبانی» استفاده شده که اصطلاحی خنثاست و «زبان» و «گویش» را در بر می‌گیرد. البته دلایلی برای «زبان» دانستن شیرازی قدیم وجود دارد که در این‌جا مجال طرح آن‌ها نیست (بنگرید به فروزنده فرد، ۱۳۹۸: ۳۴). همچنین در این مقاله به‌جای «شیرازی قدیم» گاه از «شیرازی» استفاده شده‌است.

<sup>۲</sup>. برای آگاهی بیشتر درباره متون بازمانده از شیرازی قدیم بنگرید به Windfuhr, 1999؛ فیروزبخش، ۱۳۸۸؛ فروزنده فرد، ۱۳۹۷.

<sup>۳</sup>. برای مشاهده فهرست کامل و به‌روز این پژوهش‌ها بنگرید به فروزنده فرد، ۱۳۹۷: مقدمه و کتابنامه.

<sup>۴</sup>. بسنجید با آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۶۵؛ ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۹؛ زوندرمان، ۱۳۹۰: ۳۲۱.

MacKenzie, 1967: 23; Sundermann, 1989: 144; Skjærvø, 2009: 200.

<sup>۵</sup>. بسنجید با فیروزبخش، ۱۳۸۸: مقدمه، ۱۰. شگفت است که فیروزبخش انسدادی‌ها را به دو دسته انفجاری و خیشومی تقسیم کرده‌است. وی همچنین s و Z و δ را انسدادی - سایشی و v را نیم‌مصوت (نیم‌واکه) دانسته‌است.

#### 6. Sundermann

#### 7. Skjærvø

#### 8. Šādeqi

<sup>۹</sup>. مزدپور (۱۳۹۰: ۱۵۰) می‌نویسد: «دو واج‌گونه O و e را که شادروان مکنزی در فرهنگ کوچک پهلوی خود آورده‌است، دانشمندان حَقاً واج زبان نمی‌دانند و این درست است. اما از آنجا که واج‌نویسی تاریخی برای زبان از یادرفته فارسی میانه، در تاریخی طولانی و در درازنای زمانی بیش از دو هزاره و مکان‌هایی پراکنده در میان است، از کاربرد این واج‌گونه‌ها گزیری نیست. به‌واقع هنگامی که این دو را می‌آوریم، می‌گوییم: نمی‌دانیم چگونه باید این‌ها را نوشت؛ ببخشید!»

<sup>۱۰</sup>. اصطلاح واج‌آرایی در بلاغت به معنی تکرار یک واج با بسامد زیاد کاربرد دارد که معادل alliteration انگلیسی است

(برای نمونه بنگرید به شمیسا، ۱۳۹۰: ۷۳)

<sup>۱۱</sup>. این فرایند غیر از «اماله» است. اماله معمولاً در واژه‌های عربی رخ می‌دهد که موضوع مقاله حاضر نیست.



<sup>۱۲</sup>. در واج‌نگاری قراردادی ما - نشانه مرز تکواژها، = نشانه وجود واژه‌بست و : نشانه کشش واکه به ضرورت وزن است.  
<sup>۱۳</sup>. برای اینکه نشان دهیم h در این موارد گاهی با «ح» و گاهی با «ه» نوشته می‌شود، به جای یک شاهد دو شاهد آوردیم.  
<sup>۱۴</sup>. املاي «ه» به جای کسره اضافه در نسخه‌های شاه داعی سابقه دارد؛ برای نمونه صورت «جمغه‌ای» به جای «جمع‌ای» (= جامه‌ او) به کار رفته است (بنگرید به واجد شیرازی، ۱۳۵۳: ۸۸). در برخی نسخه‌های قرن‌نهمی دیوان حافظ نیز چنین کاربردی دیده می‌شود؛ برای نمونه «چشمه بد» به جای «چشم بد» (نیساری، ۱۳۸۵: ۱۵۵). عکس این کاربرد، یعنی کسره به جای «ه»، نیز در نسخ کهن حافظ دیده می‌شود؛ از جمله کاتبی مصراع «تا در میانه خواسته کردگار چیست» را به صورت «تا در میان خواسته کردگار چیست» نوشته است (همان: ۲۸۴).

<sup>۱۵</sup>. چنان‌که پیشتر اشاره شد حرف اضافه va در برخی منابع به صورت βa یعنی با فای اعجمی هم آمده و از آنجاکه فای اعجمی غالباً میان دو مصوت می‌آید، می‌توان ثابت کرد که اصل آن abar بوده و نه pad.

## 16. MacKenzie

<sup>۱۷</sup>. نمونه‌هایی از فعل دعایی در متون دیگر (جز شاه داعی): abzāyād ← Pavzayā / ازیا: خطیب شفعی (صادقی، ۱۳۹۳: ۱۲۵)؛ marasā ← ma rasād / مرسا: شمس پس ناصر (ماهیار نوایی، ۱۳۷۴: ۳۵)؛ ma benā ← mabenā / مَبِنَا: شمس پس ناصر (ماهیار نوایی، ۱۳۷۴: ۳۵)؛ ma kunād ← makonā / مکنا: شمس پس ناصر (فیروزبخش، ۱۳۸۸: متن، ۱)

<sup>۱۸</sup>. فیروزبخش یادآور شده که در اصل نسخه «جُن» (چُن) بوده است ولی معلوم نیست چرا در متن ضبط «جَن» (چَن) را اختیار کرده است.

<sup>۱۹</sup>. احتمال دارد از ahanūn فارسی میانه مانوی باشد و در نتیجه «ن» پایانی حذف نشده باشد.

## فهرست منابع

### فارسی

### کتاب‌ها

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد. (۱۳۷۵). *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*؛ تهران: معین.
- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۷). *دستور تاریخی زبان فارسی*؛ تهران: سمت.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۹۴). *دیوان حافظ شیرازی*؛ کهن‌ترین نسخه شناخته‌شده کامل کتابت ۸۰۱ هجری با دیباچه محمد گلندام (جامع دیوان حافظ) نسخه‌برگردان دستنویس شماره ۵۱۹۴ کتابخانه نورعثمانیه (استانبول)، به کوشش بهروز ایمانی، تهران: میراث مکتوب.
- رضایی باغبیدی، حسن. (۱۳۸۵). *راهنمای زبان پارتی (پهلوی اشکانی)*؛ تهران: ققنوس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۰). *نگاهی تازه به بدیع*؛ تهران: میترا.
- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۵۷). *تکوین زبان فارسی*؛ تهران: دانشگاه آزاد ایران.

- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۹۵ ب). *فرهنگ جامع زبان فارسی*؛ ج ۲، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- لازار، ژیلبر. (۱۳۸۴). *شکل‌گیری زبان فارسی*؛ ترجمه مهستی بحرینی، تهران: هرمس.
- مدرسی قوامی، گلناز. (۱۳۹۴). *فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی*؛ تهران: علمی.
- مزدپور، کتابون. (۱۳۹۰). *واژه و معنای آن از فارسی میانه تا فارسی*؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مکنزی، دیوید نیل. (۱۳۷۳). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*؛ ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نیساری، سلیم. (۱۳۸۵). *دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ*؛ ج ۱، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- واجد [شیرازی]، محمدجعفر. (۱۳۵۳). *نویده دیدار (در شرح کتاب کان ملاح و مثنوی سه گفتار به زبان محلی شیرازی)*؛ شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر فارس.

#### مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها

- ادیب طوسی، محمدامین. (۱۳۴۵ الف). «کان ملاح [۳]»؛ *نشریه دانشکده ادبیات تبریز*، سال ۱۸، شماره ۱ (پیاپی ۷۷)، ص ۳۳-۴۸.
- ادیب طوسی، محمدامین. (۱۳۴۵ ب). «کان ملاح [۴]»؛ *نشریه دانشکده ادبیات تبریز*، سال ۱۸، شماره ۲ (پیاپی ۷۸)، ص ۱۹۷-۲۱۲.
- جعفری دهقی، محمود. (۱۳۸۷). «ترکیب‌بندی از شاه داعی الله شیرازی، شاعر سده نهم هجری، به گویش شیرازی کهن»؛ *جرعه بر خاک: یادنامه استاد دکتر یحیی ماهیار نوابی*، به کوشش محمود جعفری دهقی و [با] همکاری علی شهیدی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۱-۱۸.
- رضایی باغبیدی، حسن. (۱۳۸۲). «شیرازی باستان»؛ *گویش‌شناسی*، شماره ۱، ص ۳۲-۴۰.

- زوندرومان، ورنر. (۱۳۹۰). «فارسی میانه»؛ *راهنمای زبان‌های ایرانی*، زیر نظر رودیگر اشمیت، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، ج ۱، تهران: ققنوس، ص ۲۲۳-۲۶۰.
- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۸۳ الف). «گوش قدیم کازرون»؛ *مجله زبان‌شناسی*، سال ۱۹، شماره ۱ (پیاپی ۳۷)، ص ۱-۴۱.
- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۸۳ ب). «دو تحول آوایی در زبان فارسی: حذف و اضافه شدن صامت «ن» بعد از مصوت‌های بلند»؛ *مجله زبان‌شناسی*، سال ۱۹، شماره ۲، ص ۱-۹.
- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۸۵). «تحول صامت «ق» عربی در زبان فارسی»؛ *مجله زبان‌شناسی*، سال ۲۱، شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۴۱ و ۴۲)، ص ۳-۳۲.
- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۸۹). «غزلی از قطب‌الدین شیرازی به گویش قدیم شیراز»؛ *مزدک‌نامه ۳ (یادبود سومین سالگرد درگذشت مزدک کیان‌فر)*، خواها[نا]: جمشید کیان‌فر و پروین استخری، تهران: پروین استخری، ص ۱۳۵-۱۴۱.
- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۹۰). «بیت شیرازی سعدی در گلستان: پیشنهادی تازه برای قرائت و معنی آن»؛ *جشن‌نامه استاد دکتر سلیم نیساری*، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۳۹۳-۳۹۹.
- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۹۱). «ابیات شیرازی سعدی در مثلثات»؛ *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، شماره ۱، ص ۳۷-۵.
- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۹۳). «غزلی ملمع از ناصرالدین خطیب شفعوی به سه زبان عربی، فارسی و شیرازی»؛ *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، شماره ۴، ص ۱۱۷-۱۲۶.
- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۹۴). «صامت /θ/ «ث» در زبان فارسی و پهلوی»؛ *فرهنگ‌نویسی*، شماره ۹، ص ۳-۴۴.
- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۹۵ الف). «ابیات و مصراع‌های شیرازی در غزل ملمع حافظ»؛ *سخن عشق: جشن‌نامه دکتر حسن انوری*، به خواستاری علی‌اشرف صادقی و محمود عابدی، تهران: سخن، ص ۳۲۷-۳۳۴.

- فروزنده فرد، منوچهر. (۱۳۹۵). «نگاهی انتقادی به ابیات شیرازی قصیده مثلث ناصرالدین خطیب شفعوی»؛ *گزارش میراث*، دوره ۳، سال ۱، شماره ۱ و ۲، ص ۷۹-۹۱.
- فروزنده فرد، منوچهر. (۱۳۹۷). «توصیف زبان‌شناختی شیرازی قدیم با تکیه بر کتاب‌های کان ملاحظ و سه گفتار شاه داعی شیرازی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی به راهنمایی محمد مطلبی و مشاوره محمود مدبری، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- فروزنده فرد، منوچهر. (۱۳۹۸). «ملاحظات درباره غزل شیرازی قطب‌الدین شیرازی»؛ *فصلنامه قلم (کرم‌شاه)*، شماره ۱۱، ص ۳۴-۳۹.
- فیروزبخش، پژمان. (۱۳۸۸). «بررسی گویش قدیم شیراز بر اساس چهل غزل از اشعار شمس پس ناصر شیرازی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی به راهنمایی محمود جعفری دهقی و مشاوره حسن رضایی باغبیدی، دانشگاه تهران.
- قائم‌مقامی، سید احمدرضا. (۱۳۹۴). «نقد فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی [تألیف محمد حسن دوست]»؛ *فرهنگ‌نویسی*، شماره ۱۰، ص ۱۴۷-۱۸۱.
- ماهیار نوابی، یحیی. (۱۳۷۴). «چند غزل از شمس پس ناصر»؛ *نامه فرهنگستان*، سال ۱، شماره ۴، ص ۲۷-۳۸.
- ماهیار نوابی، یحیی. (۱۳۷۵). «قصیده‌ای و غزلی از شمس پس ناصر به گویش کهن شیراز»؛ *نامه فرهنگستان*، سال ۲، شماره ۱ (پیاپی ۵)، ص ۳۶-۵۲.
- ماهیار نوابی، یحیی. (۱۳۷۶). «یکی از ویژگی‌های گویش شیرازی در سده‌های هفتم-نهم هجری»؛ *سخنواره: پنجاه‌وپنج گفتار پژوهشی به یاد دکتر پرویز ناتل خانلری*، به کوشش ایرج افشار و هانس روبرت رویمر، تهران: توس، ص ۱۶۹-۱۸۳.
- واجد شیرازی، محمدجعفر. (۱۳۴۹). «شرح سه بیت به زبان شیرازی از شیخ روزبهان»؛ *راهنمای کتاب*، سال ۱۳، ص ۷۲۵-۷۳۰.
- منابع اروپایی (انگلیسی و آلمانی)

- MacKenzie, David Neil. (1967). "Notes on the Transcription of Pahlavi"; *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol. 30, No. 1, pp. 17-29.

- MacKenzie, David Neil. (1968). "An Early Jewish-Persian Argument"; *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol. 31, No. 2, pp. 249-269.
- Šādeqi, 'Ali-Ašraf. (2013). "Kazerun, iii. Old Kazerun Dialect"; *Encyclopædia Iranica*, Ehsan Yarshater (ed.), Vol. XVI, pp. 216-217.
- Skjærvø, Prods Okto. (2009). "Middle West Iranian"; *The Iranian Languages*, Gernot Windfuhr (ed.), London & New York: Routledge, pp. 196-278.
- Sundermann, Werner. (1989). "Mittelpersisch"; *Compendium Linguarum Iranicarum*, Rüdiger Schmitt (ed.), Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert, pp. 134-168.
- Windfuhr, Gernot. (1999). "Fārs: dialects"; *Encyclopædia Iranica*, Ehsan Yarshater (ed.), Vol. IX, pp. 362-373.

## References

### Books

- Abolghasemi, Mohsen. (1387/2008). *Historical Grammar of Persian*; Tehran: SAMT. [in Persian]
- Amouzgar, Zhaleh, and Tafazzoli, Ahmad. (1375/1996). *Pahlavi Language, Its Literature and Grammar*; Tehran: Moein. [in Persian]
- Hafez, Shams al-Din Mohammad. (1394/2015). *The Divan of Hafez Shirazi: The Oldest Known Complete Manuscript (801 AH)*, with Preface by Mohammad Golandam (Comprehensive Divan of Hafez), Reproduction of Manuscript No. 5194 of Nur Osmaniye Library (Istanbul), edited by Behrouz Imani; Tehran: Miras-e Maktub. [in Persian]
- Lazard, Gilbert. (1384/2005). *The Formation of the Persian Language*, translated by Mahasti Bahraini; Tehran: Hermes. [in Persian]
- MacKenzie, David Neil. (1373/1994). *A Concise Pahlavi Dictionary*, translated by Mahshid Mirfakhraei; Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Persian]
- Mazdapour, Katayoun. (1390/2011). *Word and Its Meaning from Middle Persian to Modern Persian*; Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [in Persian]
- Modarresi Ghavami, Golnaz. (1394/2015). *Descriptive Dictionary of Phonetics and Phonology*; Tehran: Elmi. [in Persian]
- Neysari, Salim. (1385/2006). *Book of Variations in Hafez's Ghazals*, Vol. 1; Tehran: Academy of Persian Language and Literature. [in Persian]
- Rezaei Baghbidi, Hasan. (1385/2006). *A Guide to the Parthian Language (Arsacid Pahlavi)*; Tehran: Qoqnoos. [in Persian]

- Sadeghi, Ali-Ashraf. (1357/1978). *The Formation of the Persian Language*; Tehran: Islamic Azad University of Iran. [in Persian]
- Sadeghi, Ali-Ashraf. (1395/2016). *Comprehensive Dictionary of the Persian Language*, Vol. 2; Tehran: Academy of Persian Language and Literature. [in Persian]
- Shamisa, Cyrus. (1390/2011). *A Fresh Look at Badi' (Rhetoric)*; Tehran: Mitra. [in Persian]
- Vajed [Shirazi], Mohammad Jafar. (1353/1974). *Navid-e Didar (A Commentary on the Book Kan-e Malahat and the Masnavi Seh Goftar in the Local Shirazi Dialect)*; Shiraz: General Directorate of Culture and Art, Fars Province. [in Persian]

### Articles and Theses

- Adib Tusi, Mohammad-Amin. (1345 a/1966). “Kan-e Malahat [3]”; *Journal of the Faculty of Literature, Tabriz University*, Vol. 18, No. 1 (Issue 77), pp. 33-48. [in Persian]
- Adib Tusi, Mohammad-Amin. (1345 b/1966). “Kan-e Malahat [4]”; *Journal of the Faculty of Literature, Tabriz University*, Vol. 18, No. 2 (Issue 78), pp. 197-212. [in Persian]
- Firouzbakhsh, Pezhman. (1388/2009). “A Study of Old Shirazi Dialect Based on Forty Ghazals by Shams Pus-e Nasir Shirazi”; M.A. Thesis in Ancient Culture and Languages, supervised by Mahmoud Jafari Dehaghi and advised by Hasan Rezaei Baghbidi, University of Tehran. [in Persian]
- Forouzandeh-Fard, Manouchehr. (1395/2016). “A Critical Review of the Shirazi Verses in Nasir al-Din Khatib Shaf’avi’s ‘Muθallaθ Qasids’”; *Gozaresh-e Miras*, Vol. 3, No. 1 & 2, pp. 79-91. [in Persian]
- Forouzandeh-Fard, Manouchehr. (1397/2018). “A Linguistic Description of Old Shirazi, Based on the Works ‘Kan-e Malahat’ and ‘Se Goftar’ by Shah Da’i Shirazi”; M.A. Thesis in Ancient Culture and Languages, supervised by Mohammad Matlabi and advised by Mahmoud Modabberi, Shahid Bahonar University of Kerman. [in Persian]
- Forouzandeh-Fard, Manouchehr. (1398/2019). “Notes on a Shirazi Ghazal by Qutb al-Din Shirazi”; *Qalam Quarterly (Kermanshah)*, No. 11, pp. 34-39. [in Persian]
- Jafari Dehaghi, Mahmoud. (1387/2008). “A Composition by Shah Da’i Shirazi, the 9th-Century Poet, in the Old Shirazi Dialect”; in *A Drop on the Soil: In Memory of Professor Yahya Mahyar Nawabi*, edited by Mahmoud Jafari Dehaghi with the collaboration of Ali Shahidi, Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia, pp. 11-18. [in Persian]

- MacKenzie, David Neil. (1968). “An Early Jewish-Persian Argument”; *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, Vol. 31, No. 2, pp. 249-269.
- Mahyar Nawabi, Yahya. (1374/1995). “Several Ghazals by Shams Pus-e Nasir”; *Name-ye Farhangestan*, Vol. 1, No. 4, pp. 27-38. [in Persian]
- Mahyar Nawabi, Yahya. (1375/1996). “A Qasida and a Ghazal by Shams Pus-e Nasir in the Old Shirazi Dialect”; *Name-ye Farhangestan*, Vol. 2, No. 1 (Issue 5), pp. 36-52. [in Persian]
- Mahyar Nawabi, Yahya. (1376/1997). “One of the Features of the Shirazi Dialect in the 7th-9th Hijri Centuries”; in *Sokhanvarah: Fifty-Five Research Articles in Memory of Dr. Parviz Natel Khanlari*, ed. by Iraj Afshar and Hans Robert Roemer, Tehran: Tous, pp. 169-183. [in Persian]
- Qa’em-Maqami, Seyyed Ahmad-Reza. (1394/2015). “A Review of the Etymological Dictionary of Persian Language [by Mohammad Hasandoost]”; *Farhang-Nevisi*, No. 10, pp. 147-181. [in Persian]
- Rezaei Baghbidi, Hasan. (1382/2003). “Old Shirazi”; *Guyesh-Shenasi*, No. 1, pp. 32-40. [in Persian]
- Sadeghi, Ali-Ashraf. (1383a/2004). “The Old Dialect of Kazeroon”; *Majalle-ye Zabanshenasi*, Vol. 19, No. 1 (Issue 37), pp. 1-41. [in Persian]
- Sadeghi, Ali-Ashraf. (1383b/2004). “Two Phonological Changes in Persian: The Deletion and Addition of the Consonant ‘n’ after Long Vowels”; *Majalle-ye Zabanshenasi*, Vol. 19, No. 2, pp. 1-9. [in Persian]
- Sadeghi, Ali-Ashraf. (1385/2006). “The Evolution of the Arabic Consonant ‘q’ in Persian”; *Majalle-ye Zabanshenasi*, Vol. 21, Nos. 1 & 2 (Issues 41 & 42), pp. 3-32. [in Persian]
- Sadeghi, Ali-Ashraf. (1389/2010). “A Ghazal by Qutb al-Din Shirazi in the Old Shirazi Dialect”; *Mazdak-nama 3* (Commemorating the Third Anniversary of the Death of Mazdak Kianfar), eds. Jamshid Kianfar and Parvin Estakhri, Tehran: Parvin Estakhri, pp. 135-141. [in Persian]
- Sadeghi, Ali-Ashraf. (1390/2011). “A Shirazi Verse by Sa’di in the Golestan: A New Proposal for Its Reading and Meaning”; in *Festschrift for Professor Salim Neysari*, ed. by Gholamali Haddad Adel, Tehran: Academy of Persian Language and Literature, pp. 393-399. [in Persian]
- Sadeghi, Ali-Ashraf. (1391/2012). “Shirazi Verses by Sa’di in Muθallaθāt”; *Zaban-ha o Guyesh-haye Irani*, No. 1, pp. 5-37. [in Persian]
- Sadeghi, Ali-Ashraf. (1393/2014). “A Mulamma’ Ghazal by Nasir al-Din Khatib Shaf’avi in Arabic, Persian, and Shirazi”; *Zaban-ha o Guyesh-haye Irani*, No. 4, pp. 117-126. [in Persian]
- Sadeghi, Ali-Ashraf. (1394/2015). “The Consonant /θ/ in Persian and Pahlavi”; *Farhang-Nevisi*, No. 9, pp. 3-44. [in Persian]

- Sadeghi, Ali-Ashraf. (1395a/2016). "Shirazi Verses in the Mulamma' Ghazal of Hafez"; in *Sokhan-e Eshq: Festschrift for Dr. Hasan Anvari*, ed. by Ali-Ashraf Sadeghi and Mahmoud Abedi, Tehran: Sokhan, pp. 327-334. [in Persian]
- Sādeqi, 'Ali-Ašraf. (2013). "Kazerun, iii. Old Kazerun Dialect"; *Encyclopædia Iranica*, ed. By Ehsan Yarshater, Vol. XVI, pp. 216-217.
- Skjærvø, Prods Oktor. (2009). "Middle West Iranian"; *The Iranian Languages*; ed. By Gernot Windfuhr, London & New York: Routledge, pp. 196-278.
- Sundermann, Werner. (1390/2011). "Middle Persian"; in *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. by Rüdiger Schmitt, Persian translation supervised by Hasan Rezaei Baghbidi, Vol. 1, Tehran: Qoqnoos, pp. 223-260. [in Persian]
- Sundermann, Werner. (1989). "Mittelpersisch"; *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. By Rüdiger Schmitt, Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert, pp. 134-168.
- Vajed Shirazi, Mohammad Jafar. (1349/1970). "Commentary on Three Verses in Shirazi by Sheikh Rouzbehan"; *Rahnamaye Ketab*, Vol. 13, pp. 725-730. [in Persian]